

سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۵)

خداوند بهر کس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهی میدهد.

واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است

انرسختان:

الشیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده های او

جمع آوری:

الشیخ عبدالله بن ابراهیم القرعای

ترجمهٔ ابو عبدالله:

اسحاق بن عبدالله بن محمد الدبیری العوضی

چاپ ۱۴۲۰ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم مقدمه مترجم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعم بإحسان إلي يوم الدين أما بعد:

باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً﴾ [النساء ۳۶] [خدا یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی قرار ندهید]. رسول الله ﷺ به معاذ بن جبل رضی الله عنه می‌فرماید: ((أتدري ما حق الله علي العباد قال: الله ورسوله أعلم، قال: أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، ثم أتدري ما حق العباد علي الله إذا فعلوا ذلك أن لا يعذبهم)) . [متفق عليه].

آیا میدانی حق خدا بر بندگانش چیست؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر میدانند، فرمود: اینکه او را عبادات کنند و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند، سپس فرمود: آیا میدانی حق بندگان بر خدا چیست اگر این عمل را (حق خدا را) انجام دادند؟ اینکه آنها را عذاب ندهد. چیزی که در آن هیچ شک و تردیدی نیست اینکه علم و دانش خدا شناسی و عقیده اسلامی اساس و بنیاد تمامی دانشها بشمار می‌رود، شایسته آن است که ما تمامی مسلمانان به آن عنایت بهتر و بیشتری داشته باشیم تا اینکه به موجب آن اعمال و کردار ما صحیح و نزد باریتعالی مورد قبول باشد، بخصوص در این زمان که جریان‌های انحرافی و گمراه کننده کفر و إلحاد و تصوف و رهبانیت و

جریان قبر پرستی و شرك و بدعتها و مخالفت‌های پیروی از پیامبر ﷺ و سنت او همه جا فرا گرفته و تمامی این جریانات خطرناک است اگر مسلمان مسلح به سلاح عقیده صحیح که از قرآن و سنت و فهم سلف و گذشتگان امت محمدی است، نباشد بیم آن می‌رود که این جریانات منحرف و گمراه کننده او را به طرف خود بکشد .

به همین دلایل برای مسلمان یادگیری عقیده صحیح اسلام و عنایت و توجه خاص به آن ضروری و لازم است تا در چنگال این جریانات انحرافی و گمراه کننده نیافتیم . به این خاطر ما این کتاب را که: **(الواجبات المتحتمات المعرفة علي كل مسلم ومسلمه)**: (واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است) نام دارد، و از سخنان شیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده های او، و جمع و ترتیب شیخ عبدالله بن ابراهیم القرعاوی است، ترجمه کرده و به مسلمانان جهان، بزرگ و کوچک، و پیر و جوان تقدیم می‌داریم . امید است مورد قبول قرار گیرد و آنرا مطالعه کرده نقاط مهم آنرا درک کنند تا در زندگی روز مره خود، دنیا و آخرت کامیاب شوند . و در پایان از باری تعالی خواهانیم که ما را بر این عمل متواضع اجر و پاداش نیک عطا فرموده آنرا خالصاً مورد رضا و خوشنودی خود قرار دهد .

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

مترجم: أبو عبدالله إسحاق بن عبدالله دبيري

الرياض ١٤١٣/٦/١هـ
أصول سه گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد

واجب است:

و آنها هم عبارتند از: اینکه بنده خدا، دین پیامبرش محمد ﷺ را بشناسد .

❁ پس اگر به تو گفته شود پروردگار و خدای تو کیست؟
بگو: خدای من کسی است که تمامی جهانیان را با نعمتهای خود آفریده و پرورش داده، و اوست معبود و پروردگار من، و غیر از او من معبود دیگری ندارم .

❁ و اگر بتو گفته شود دین تو چیست؟
بگو: دین من اسلام است، و آنم تسلیم شدن به خدای یکتا و فرمانبرداری اطاعت او، و براءت جستن از شرك و مشركان .

❁ و اگر بتو گفته شود پیامبر تو چه کسی است؟
بگو: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، و هاشم از قبیله و طایفه قریش است، از عربهاست، و عرب از نسل و فرزندان اسماعیل بن ابراهیم الخلیل هستند، بهترین سلام ها و درودها نثار آنان باد .

أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است:

۱ — أمر به عبادت و پرستش خدای یکتا و بی همتا، و ادا کردن بر آن، و دوستی و خیر خواهی در آن، و کافر دانستن کسیکه این دین را ترك و مخالفت آن کند .

۲ — بر حذر داشتن از شرك در عبادت خدا، و شدت نکیر و مخالفت در آن، و دشمن دانستن کسیکه این عمل را انجام می‌دهد، و کافر دانستن کسی که شرك می‌پورزند .

شروط لا إله إلا الله: ۱ — دانستن معنای آن بطور نفی و اثبات .
یعنی (لا إله) نفی تمام انواع عبادت از غیر خدا .

- و (إلا الله) اثبات تمام أنواع عبادت براي خدای یگانه .
- ۲ — یقین: و آهم عبارتست از اینکه علم و یقین کامل به آن داشته باشیم، علمی که در آن شك و تردیدی وجود نداشته باشد .
- ۳ — إخلاص: همان إخلاص که مخالف شرك است .
- ۴ — راست: همان راستی که با دروغ منافات دارد و مانع از نفاق می‌شود .
- ۵ — دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و خوشحال بودن به اسلام و توحید .
- ۶ — تسلیم شدن به حقوق آن و آهم انجام عملهای واجب بطور خالص برای خدا و طلب رضای او .
- ۷ — قبولی که منافی و مخالف به رد کردن آن می‌باشد .
- دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر ﷺ:
- دلیل اول: آهم علم و معرفت به معنای آن: ﴿فاعلم أنه لا إله إلا الله﴾ . [محمد ۱۹] . [یس یقین بدان که معبودی بحق بجز خدای یکتا نیست] . و ﴿إلا من شهد بالحق وهم يعلمون﴾ . [الزخرف ۸۶] .
- [مگر کسیکه گواهی بحق داد و گفت لا إله إلا الله و ایشان می‌دانند که دلهایشان با زبانشان یکی است] . ﴿وهم يعلمون﴾ یعنی می‌دانند با دلهایشان، آنچه زبانهای آنها با آن نطق کرده است . و دلیل از حدیث رسول اکرم ﷺ حدیثی که عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((من مات وهو يعلم أنه لا إله إلا الله دخل الجنة)) . [مسلم] . هر کسیکه بمیرد و بداند که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، داخل بهشت می‌شود .

دلیل یقین و ایمان داشتن به آن: باری تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات ۱۵]. [بدون شك مؤمنان واقعي آن کسانی هستند که ایمان بخدای یکتا و به پیغمبرش آورده اند سپس (آنگاه از لحظه ای که ایمان آورده اند) شکی در دل خود راه نداده اند و در راه خدا با مالها و جانهای خود جهاد کرده اند، ایشان راستگویان واقعي هستند].

خداوند برای صدق و راستی ایمان شان به خدا و رسول شرط کرده که شك به دل خود راه ندهند يعني شك نکنند زیرا کسیکه شك کند از منافقین بشمار می‌رود.

و از أبوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ((أشهد أن لا إله إلا الله و أني رسول الله لا يلقي الله بهما عبد غير شك فيهما إلا دخل الجنة)) وفي رواية: ((لا يلقي الله بهما عبد غير شك فيهما فيحجب عن الجنة)). [مسلم].

گواهی می‌دهم که معبودی بر حق جز خدای یکتا نیست و من فرستاده و رسول خدا هستم، هر کسی با این دو شهادت خدا را ملاقات کند و در آن شکی در دل نیاورده باشد، داخل بهشت خواهد شد، و در روایتی آمده است: هر کسی با این دو شهادت خدا را ملاقات کند در حالیکه شکی در دل او نباشد، پس از داخل شدن به بهشت جلوگیری نخواهد شد.

و در جزئی از حدیثی که أبوهریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت میکند آمده است که فرمودند: ((.. من لقيت وراء هذا الحائط يشهد أن لا

إله إلا الله مستيقنا بها قلبه فيبشّره بالجنة)) . [مسلم] . بشارت هده به بهشت هر که را ملاقات کردی پشت این دیوار که گواهی می‌دهد که نیست هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا در حالیکه دلش متیقن به آن باشد .
و دلیل إخلاص در آن: ﴿إلا لله الدين الخالص﴾ . [الزمر ۳] .
[آگاه باشید که دین خالص — پاک از ریاء و نفاق — برای خدای یکتا است] .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء﴾ . [البينة ۵] . [و ایشان امر نشده بودند مگر اینکه عبادت خدای یکتا کنند در حالیکه عبادت را خالص برای خدای یکتا قرار دهند و هیچ شائبه شرك و ریائی در عبادتشان نباشد و بر راه راست مستقیم باشند] . و دلیل از سنت پیغمبر ﷺ حدیث صحیح و ثابت که أبوهریره ؓ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: ((أسعد الناس بشفاعتي من قال لا إله إلا الله خالصاً من قلبه أو نفسه)) . [بخاری] .

خوشبختترین و سعادتمندترین مردم به شفاعت من روز قیامت کسانی هستند که بگویند: معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست و این گواهی خالص از قلب و جانش باشد .

و در صحیح عتبان بن مالک ؓ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((إن الله حرم على النار من قال لا إله إلا الله يبتغي بذلك وجهه الله عز وجل)) . [مسلم] . هر آئینه خداوند حرام کرده بر آتش کسی را که بگوید: معبودی بر حق بجز خدای یکتا نیست و با این سخن خود رضای خداوند را می‌طلبد .

إمام نسائی در کتاب: (عمل اليوم و الليلة) از دو نفر از صحابه

رضی الله عنهما روایت می‌کنند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((من قال لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير مخلصاً بها قلبه، يصدق بها لسانه، إلا فتق الله لها السماء فتقاً حتى ينظر إلي قائلها من أهل الأرض، وحق لعبد نظر الله إليه أن يعطيه سؤله)). [ابن رجب]. هر کسی که گفت نیست هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا و او هیچ شریکی ندارد و برای اوست ملک جهانیان و حمد و ستایش، و او بر همه چیز قادر است در حالیکه گفته اش به آن خالصانه از قلب او باشد و زبان او بر آن تصدیق کند، خداوند آسمان را شکافته تا به گوینده این کلمات که از مردم زمین است بنگرد، و خوشا به کسی که خدا به او نگاه کند که اگر از او سؤال و دعائی کند خداوند به او عطا می‌فرماید.

و دلیل صدق و راستگویی: باری تعالی می‌فرماید: ﴿ألم أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمناً وهم لا يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين﴾. [العنكبوت ۱ - ۳].

[آلم این حروف اشاره به اسماء و یا اسرار بین خدا و رسول خداست و تفسیر زیادی در این کلمه آمده است، آیا مردم گمان کرده اند که بحال خود گذاشته میشوند و اکتفاء میشود از ایشان به اینکه بگویند ایمان آورده ایم در حالیکه از ایشان آزمایش کرده نمی‌شود؟ — ایمان تکالیف و واجباتی به همراه دارد و تنها بزبان آوردن کلمه ایمان کفایت نمی‌کند — و بتحقیق که ما بیازمودم مردمی را که پیش از ایشان بودند و ناگزیر است از آزمودن در برابر ایمان تا خدای یکتا مردمی را که راستگو و صادق هستند در ایمانشان و دروغگویان را جدا سازد].

و دليل از حديث صحيح و ثابت که در صحيحين آمده، صحابي جليل معاذ بن جبل رضي الله عنه از رسول الله صلى الله عليه وسلم روايت مي کند که فرمودند: **(ما من أحد يشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله صدقاً من قلبه إلا حرمه الله علي النار)** . [متفق عليه] .

هر کس گواهي دهد که معبودي بحق جز خدای يکتا نيست و محمد بنده و فرستاده خداست، و اين گواهي صادقانه و از قلب او باشد، خداوند آتش جهنم را بر او حرام مي گرداند .
و دليل دوستي و محبت:

باريتعالی مي فرمايد: **﴿ومن الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حبا لله﴾** . [البقرة ۱۶۵] .

[و از مردم کسانی هستند که از کُند فهمی و کودن] همتايان برای خدا، غير از خدا قرار داده اند و آنان را دوست مي دارند مانند دوستي خدا، و کسانی که ايمان آورده اند قويترند در دوستي خدا از آنها، يعني آن همتايان دروغين را تعظيم مي کنند و دوست دارند و مردمی که ايمان آورده اند به خدا ايمان صحيح در اينحال محبتشان برای خدا بيشتري و تعظيم شان برای خدا بيشتري از تعظيمی است که نابخردان برای معبودان دروغين مي کنند] .

و همچنان خداوند متعال مي فرمايد: **﴿يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم﴾** . [المائدة ۵۴] .

[ای مردمی که ايمان آورده ايد هر کسی از شما از دين خویش برگردد خداوند مردمی مي آورد که ايشان را دوست مي دارد، و ايشان

خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان متواضع و فروتن هستند، نسبت به کفار سخت و شدید هستند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان بیم و هراس به خود راه نمی‌دهند].
و دلیل از سنت پیغمبر ﷺ حدیث ثابت و صحیح که انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((ثَلَاثٌ مِنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سَوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَقْذَفَ فِي النَّارِ)). [متفق عليه]. سه چیز است که اگر در انسان باشند شیرینی ایمان را درک می‌کند: اینکه خدا و رسول او محبوبتر از غیر آنان باشد، و اینکه مردم را فقط برای خدا و رضایت و خشنودی او دوست بدارد، و اینکه از برگشتن به کفر بعد از آنکه خداوند او را از آن نجات داده نفرت داشته باشد همچنانکه از پرتاب شدن و انداختن خودش در آتش نفرت دارد.

دلیل انقیاد و تسلیم شدن: باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنِيبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْلَمُوا لَهُ﴾ . [الزمر ۵۴].

[و انابه و رجوع بدرگاه حق تعالی نمائید و منقاد شوید برای او و خود را تسلیم فرمان او سبحانه و تعالی کنید].

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنَ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾ . [النساء ۱۲۵]. [نیست نیکوتر باعتبار دین از کسی که خود را تسلیم خدا نمود، و او نیکوکار بود، یعنی راه فرمانبری خدا و إخلاص برای او در پیش گرفت].

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَسْلَمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ

واجبتي که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروري است

بالعروة الوثقى . [لقمان ۲۲] . [و هر کسیکه خود را تسلیم فرمان خدا کند در حالیکه نیکوکار است، پس بتحقیق که جنگ زده به محکمترین دست آویزی و قویترین دلیل را بدست آورده است] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: **﴿فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجاً مما قضيت ويسلموا تسليماً﴾** . [النساء ۶۵] . [پس قسم به پروردگارت که ایمان دار نمی‌شوند تا اینکه تو را در آنچه میان شان اختلاف واقع گردیده داور و حکم قرار ندهند، و سپس از آنکه تو حکم میانشان صادر فرمائی هیچ مشقت و ناراحتی از داوری و حکم تو به خود راه ندهند، و بدون هیچگونه اعتراض و معارضه ای مطیع فرمان تو شوند] .
و در حدیث است که رسول الله ﷺ فرمودند: **﴿لا يؤمن أحدكم حتى يكون هواه تبعاً لما جئت به﴾** . [شرح السنة] .

هیچکس از شما مؤمن نمی‌شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد .

و این منتهای انقیاد و تسلیم شدن می‌باشد .
دلیل قبول کردن و تسلیم شدن به حقوق آن: خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وكذلك ما أرسلنا من قبلك في قرية من نذير إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أمة وإنا على آثارهم مقتدون، قال أولو جنتكم بأهدى مما وجدتم عليه آباءكم قالوا إنا بما أرسلتم به كافرون فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة المكذبين﴾** . [الزخرف ۲۳ - ۲۵] .

[و همچنین ما نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری را به شهری، مگر اینکه خوشگذرانان شان گفتند ما پدران مان را بر آئین و

عقائدي يافتيم و ما بدنبال ايشان به ايشان اقتداء مي‌کنيم و حاضر نيستيم آنرا رها کنيم، پيغمبرشان به ايشان گفت آيا و اگر چه آورديم براي شما راهي راستتر و بهتر از آنچه پدرانتان را بر آن يافتيد باز هم راه پدرانتان که جز گمراهي چيزي ديگر نيست پيروي مي‌کنيد؟ آنان در جواب پيغمبرشان گفتند ما به آنچه شما به آن فرستاده شده ايد کافريم، يعني به پيغمبرشان گفتند راهي که تو و پيغمبران پيش از تو آورده اند باور نداريم و به راه پدرانمان مي‌رويم . پس از آنان انتقام گرفتيم و آنان را دچار نعمت و بلاي خانمان برانداز ساختيم، بنگر که عاقبت تکذيب کنندگان پيغمبران چگونه شد، عاقبتشان اين بود، هم دنيا و هم آخرت را از دست دادند .

خداوند مي‌فرمايد: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَجْنُونٍ﴾ . [الصافات ۳۵ - ۳۶] .

[در حقيقت هرگاه به آنان گفته مي‌شد بگوئيد: لا إله إلا الله: (نيست معبودي بحق مگر خدای يکتا) و به اين توحيد خالص ايمان بياوريد راه تکبر و گردنکشي در پيش مي‌گرفتند و نه کلمه توحيد لا إله إلا الله بر زبان مي‌راندند و نه بحقيقت آن که بايد در تمام امور تابع فرمان خدای يکتا شوند معتقد ميشدند و ميگفتند آيا ما بخاطر شاعري ديوانه (يعني رسول الله ﷺ) دست از عبادت خدايانمان برداريم!] .
و دليل از سنت صحيح و ثابت پيغمبر ﷺ حديث ابوموسي اشعري ؓ که روايت مي‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند:

((مَثَلُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ الْغَيْثِ الْكَثِيرِ أَصَابَ أَرْضًا فَكَانَ مِنْهَا نَقِيَّةٌ قَبِلَتْ الْمَاءَ فَأَنْبَتَتِ الْكَلَّاءَ وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ وَكَانَتْ مِنْهَا أَجَادِبُ

أمسكت الماء فنفع الله بها الناس فشربوا وسقوا وزرعوا، وأصاب منها طائفة أخرى إنما هي قيعان لا تمسك ماءً ولا تنبتُ كلاً؛ فذلك مثلُ من فقه في دين الله ونفعه ما بعثني الله به فعلم وعلم، ومثلُ من لم يرفع بذلك رأساً، ولم يقبلُ هدى الله الذي أرسلتُ به)) . [متفق عليه] .

مثال آنچه خداوند مرا بر آن مبعوث فرموده از هدایت و علم و دانش همانند باران زیادی است که بر زمین باریده بعضی از آن زمین پاک و قابل کشت بوده پس از این باران استفاده کرده و علف و گیاهان زیادی می‌رویند و بعضی دیگر خشک و بی حاصل ولی آب را نگاه میدارد که مردم نفع برده از آن برای آشامیدن انسانی و حیوانی و زراعت استفاده می‌شود، و بعضی از آن زمین شوره زار بوده که نه آب را نگاه می‌دارد و نه علف و گیاهی می‌رویند، و آن مثال کسی است که علم شریعت آموخته و از آن علم نفع و سود یافته و به دیگران نیز آموخته، و مثال کسیکه به آن علم بی اعتنائی کرده و دانش و راه مستقیمی که خداوند مرا با آن مبعوث فرموده قبول نکرده است .

نواقض اسلام

بدانکه نواقض اسلام ده چیز است:

أول: شرك آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شريك قائل شدن . خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ . [النساء ۱۱۶] . [خداوند شرك ورزیدن به ذاتش را نمی‌بخشد و غیر از شرك گناهان دیگر را می‌بخشد برای کسیکه بخواهد] .

و همچنین می‌فرماید: **«ومن یشرك بالله فقد حرّم الله علیه الجنة ومأواه النار وما للظالمین من أنصار»** . [المائدة ۷۲] . [و کسیکه به خداوند شریک ورزد خداوند بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او در جهنم است و ستمگران هیچ یار و یآوری ندارند] . و از جمله شریک در عبادت خداوند متعال ذبح و قربانی برای غیر از خداست، مثل کسیکه قربانی کند برای جن و شیطان و ذبح و قربانی بر سر قبرستانها .
دوم: کسیکه بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه شفاعت بطلبد و بر آن توکل کند، چنین اشخاصی اجماع علماء و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است .

سوم: کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آن مشرکان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است .

چهارم: کسیکه اعتقاد داشته باشد که هدی و پیروی غیر از رسول الله ﷺ کاملتر و بهتر است از هدی و پیروی از رسول الله ﷺ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله ﷺ بهتر است از حکم و قضاوت پیامبر ﷺ مانند کسانی که حکم و قضاوت طواغیت و قوانین رسمی کشوری را که غیر شرعی می‌باشند بر قوانین شرعی و دینی برتری می‌دهند و اینها همه کافر می‌باشند .

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله ﷺ برای امت اسلامی از هدایت بشری و قضاوت و حکم به قرآن و سنت آورده، بغض ورزد اگر چه به آن حکم عمل کند در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جز کافران می‌باشد .

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و ریشخند کند همان دینی که رسول الله ﷺ آنرا از طرف باری تعالی آورده، و یا از ثواب و نیکی و پاداش آن، و یا از جزا و عقاب آن، کافر شود و دلیل آن اری تعالی میفرماید: ﴿قُلْ أَبِإِلَهِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَدُوا قَدْ كُفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ . [التوبة ۶۵ - ۶۶] .

[بگو آیا بخدا و آیات او (قرآن) و پیغمبر او استهزاء و مسخره میکردید؟ - از کار خود - عذر خواهی نکنید زیرا کفرتان بعد از اینکه تظاهر به ایمان میکردید ظاهر و آشکار گردید] .

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می‌شود از قبیل طرو دوستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسیکه آنرا انجام دهد، و یا از آن راضی شود کافر شود و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: ﴿وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ . [البقرة ۱۰۲] .

[این دو شخص صالح کسی را آموزش نمی‌دادند تا آنکه قبلاً به او گوشزد می‌کردند که ما به حقیقت برای امتحان آمده ایم تا دانسته شود چه کسانی کفر را بر ایمان ترجیح میدهند و طالب فراگرفتن سحر میشوند، پس تو ای شنونده کفر مکن و سحر طلب نکن زیرا که با عمل کردن به سحر کفر شخص ظاهر می‌شود] .

هشتم: پشتیبانی و یاری کردن مشرکان بر ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَبِإِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ . [المائدة ۵۱] .

[و هر کسی که از شما مسلمانان با آنان (یهود و نصاری) دوست گیرد او از جمله آنان بشمار می‌رود، یقیناً خدا براه راست نمی‌رساند

کسازی که بخود ستم می‌کنند و با کافران دوستی برقرار می‌کنند].
فهم: کسیکه معتقد باشد که بعضی از مردم می‌توانند از شریعت و دین محمد ﷺ خارج شوند همچنانکه توانستند از دین موسی ﷺ خارج شوند کافر می‌باشد. باریتعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾. [آل عمران ۸۵].

[و هر کسی که غیر اسلام برای دینداری دینی دیگر بخواهد پس هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است].

دهم: روی گردانی و إعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن. و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ﴾. [السجدة ۲۲]. [چه کسی ستمگرتتر است از فردی که آیات پروردگارش به او یاد آوری شود سپس او از آیات روی گردانی کند (هیچ کس ستمگرتتر از او نیست) ما از جنایتکاران انتقام می‌گیریم].
و در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسیکه مکره یعنی مجبور شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست.

و همه اینها از گناهان کبیره می‌باشد که مردم در آن واقع هستند

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد.
بار إلهی ما از غضب و خشم و عقاب دردناک تو، به تو پناه

توحید بر سه نوع است:

نوع اول: توحید ربوبیت: و آنهم توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ﷺ به آن اقرار و اعتراف می‌کردند ولی با اینحال اقرارشان آنان را در اسلام داخل نکرد بلکه رسول الله ﷺ با آنان در راه خدا به جنگ پرداختند، و خون و مال و جان آنان را حلال فرمودند . و این توحید باری تعالی در أفعال و أعمال اوست .

و دلیل آن باری تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يَخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيَخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ . [یونس ۳۱] .

[به ایشان بگو چه است که از آسمان (بوسیله باران) و از زمین (بوسیله گیاهان و انواع درختان گوناگون) به شما رزق و روزی میدهد؟ یا اینکه چه کسی است که مالک شنوائی و بینائی، یعنی آفریننده آنها است؟ و چه کسی است که از مرده زنده را بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، یعنی از خاک مرده مایه حیات گیاهان و حیوانات را فراهم می‌فرماید، و از نطفه ظاهر مرده پیکری درخشنده بوجود می‌آورد، و از زنده آب نطفه ظاهر مرده می‌آورد، و از شخص زنده و پر جوش و خروش جسمی مرده و بی جان پدیدار گرداند؟ و چه کسی تدبیر کار اینهمه خلایق می‌نماید؟ خواهند گفت: الله است که روزی ده و چشم و گوش دهنده و زندگی و مرگ بخشنده، و تدبیر امور همه خلایق در دست اوست .

پس بگو چرا از خدا نمی ترسید تا ایمان بیاورید و به یکتائیش اعتراف کنید و پیغمبرش را تصدیق نمائید؟ [

نوع دوم: توحید ألوهیت: و آنهم توحیدی است که در آن، در زمان قدیم و در حال حاضر اختلاف شده است، و آن توحید خداوند متعال است که أفعال و أعمال بندگان را بیان می کند، مانند: دعاء و نذر و قربانی و امید و آرزو و ترس و وحشت و توکل و شوق و میل و ترس و بیم و رجوع و إنابت، و هر کدام از این عبادت های بالا دلیلی از قرآن بر آن وارد شده است .

نوع سوم: توحید ذات و صفات و أسماء خداوند:

باریتعالی می فرماید: ﴿قل هو الله أحد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً أحد﴾ . [سورهٔ إخلاص] .

[بگو او خدای یکتاست، آن خدائی که از همه بی نیاز، و همه عالم به او نیازمند هستند، نه کسی فرزند او، و نه او فرزند کسی است، و برای او هیچ مثل و همتائی نیست] .

و همچنین خداوند می فرماید: ﴿ولله الأسماء الحسنی فادعوه بها وذروا الذین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون﴾ . [الأعراف ۱۸۰] .

[برای خداست بهترین نامها، خدا را به آن نامها بخوانید و دعاء نمائید و نامهایی را که مردم منحرف از حق برای بت های خود از نامهای خدا می سازند ترك کنید، آن مردم منحرف و گمراه در آخرت به جزای آنچه می کردند می رسند] .

و می فرماید: ﴿لیس کمثله شیء وهو السميع البصیر﴾ . [الشوری ۱۱] .

[هیچ چیز مثل و مانند خداوند نیست، و او شنوا و بینا است].

ضد توحید شرک است:

و آنهم بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱ — شرک اکبر . ۲ — شرک أصغر . ۳ — شرک خفی و پنهانی .
شرک اکبر خداوند گناه او را نمی‌بخشد و هیچ عمل صالح و نیک را با آن قبول نمی‌کند .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ . [النساء ۱۱۶] .

[خداوند شرک ورزیدن را نمی‌بخشد و بجز شرک گناهان دیگر را برای کسیکه بخواهد می‌بخشد و هر که بخدا شرک آرد پس بتحقیق که در گمراهی دور افتاد] .

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ . [المائدة ۷۲] .

[و عیسی گفت: ای بنی اسرائیل خدای یکتا را عبادت و بندگی کنید که پروردگار من و شما است — او تعالی خالق من و شما است، من و شما پرورده او و مخلوق او هستیم، او را باید پرستید نه غیر از او — زیرا هر کسیکه بخدای یکتا شرک ورزد، خدا بهشت را بر مشرکان حرام گردانده است و جای آنان در دوزخ است و کسانی که به نفس‌های خود ستم می‌کنند هیچ یار و یآوری ندارند] .

و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَدَّمْنَا إِيَّاهُ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ

هَبَاءٌ مَّنْثُورًا ﴿۲۳﴾ . [الفرقان ۲۳] .

[و آنچه در دنیا از کار خیر انجام داده بودند این کارهایشان نیز مانند ذرات غبار در هواء پراکنده ساختیم و کردارهایشان را همه بیاد دادم] .

و همچنین می‌فرماید: ﴿لَنْ أَشْرِكَ لِيحِبطنَ عَمَلِكِ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ . [الزمر ۶۵] .

[اگر شرك بعمل آوردی البته اعمال تو نابود می‌گردد و از زیانکاران خواهی شد] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ . [الأنعام ۸۸] .

[و اگر به خدا شرك ورزند البته اعمال و کردار آنها نابود می‌شود و از بین می‌رود] .

شرك أكبر بر چهار قسمت تقسیم می‌شود

۱ — شرك دعاء و طلب غیر از خدا یعنی: برای حل مشکلات و قضای حاجات .

دلیل آن باریتعالی می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفَلَكِ دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ . [العنكبوت ۶۵] .

[این مردم مشرك موقعی که به کشتی نشستند و باد شدید وزیدن گرفت و موجهای کوه پیکر کشتی را إحاطه کردند و تاریکی شب و غرش باد و خروش موج زندگی را بر سرنشینان کشتی تلخ کردند آنگاه است که به إخلاص، خدا را دعاء می‌کنند و عهد می‌بندند که اگر خدا آنان را از این خطر مهلك نجات بدهد دیگر هیچگاه کرد نافرمانی او

نکردند، اما موقعی که خدا که مهربانترین مهربانان است آنان را نجات داد و ایشان به خشکی رسید ناگهان عوض می‌شوند و شرك می‌ورزند].

۲ — شرك در نیت و إرادت و قصد و مقصود .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: ﴿من كان يريد الحياة الدنيا وزينتها نوف إليهم أعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار وحبط ما صنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون﴾ . [هود ۱۵ - ۱۶] .

[هر کسی که خواهان زندگی دنیا و آرایش آن باشند و به راه شرك و ریاء کاری پافشاری می‌کنند جزای کردارشان را در دنیا به طور کامل می‌دهیم، در برابر صدقه و صلۀ رحم و أعمال خیرشان، صحت و سروری و فراخی روزی می‌دهیم، و ایشان چیزی از حقشان در دنیا کاسته نمی‌شود، و اما آخرتشان را بر باد داده‌اند . اینها در آخرت نصیبی بجز جهنم ندارند، و آنچه در دنیا انجام داده‌اند از بین رفته و أعمال آنها باطل شده است] .

۳ — شرك در اطاعت:

و دلیل آن قول خداوند متعال که می‌فرماید: ﴿اتخذوا ألبارهم ورهبانهم أرباباً من دون الله والمسيح ابن مريم وما أمروا إلا ليعبدوا إلهاً واحداً لا إله إلا هو سبحانه عما يشركون﴾ . [التوبة ۳۱] .

[یهودیان از دانشمندانشان و نصاری از عابدان‌شان خدایانی غیر از خداوند قرار داده‌اند، و بدون فرمان او از اینراه که هر چه علماء و عبّادشان تحلیل و تحریم کردند تابع ایشان می‌شوند، و در حلال ساختن آنچه خدا حرام فرموده، و حرام ساختن آنچه خدا حلال نموده، از آنان پیروی می‌کنند و مسیح، عیسی بن مریم را به خدائی

گرفته اند، از این راه که او را پسر خدا می‌دانند، و در تورات و انجیل امر نشده اند مگر به اینکه بندگی و عبادت خدای یکتا نمایند و اطاعت از فرمان او نمایند، معبودی بحق بجز خدای یکتا نیست و او منزّه و پاک است از آنچه شريك او می‌گردانند].

تفسیر این آیه که در آن اشکالی نیست چنین می‌باشد: [عدم اطاعت علماء و زهاد و عباد در معصیت خدا و عدم دعاء آنها چنانکه رسول الله ﷺ آنرا برای عدي بن حاتم رضی الله عنه تفسیر نمودند وقتی که از آن حضرت سؤال کرد که، ما آنان را نمی‌پرستیم آن حضرت در جواب فرمودند: اطاعت آنان در معصیت خداوند عبادت گفته می‌شود].

۴ — شرك در محبت و دوستی .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: ﴿ومن الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم كحب الله﴾ . [البقرة ۱۶۵، و تفسیر آن قبلاً ذکر شد].

نوع دوم، شرك أصغر است: و آنرا رياء می‌گویند

و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: ﴿فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً﴾ . [الكهف ۱۰۲].

[پس هر کس امیدوار دیدار پروردگار خود باشد و میخواهد بدرگاه خدای یکتا نزدیک شود باید پیروی رسول خدا نماید، ایمان به دیدار خدا بیاورد که در روز شمار، خدا جزای اعمال او را خواهد داد، و کردار خود را شایسته نماید تا در روز دیدار و رسیدن به جزای اعمال خود از مؤمنان صالح و از همراهان پیغمبر خدا باشد، و برای تحقق و عمل صالح و

واجبتي که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروري است

نيك خود همیشه راه إخلاص برای خدای يكتا را در پيش گیرد،
و در عبادت پروردگار خود هيچ کس را شريك او نسازد].
نوع سوم از أنواع شرك، شرك خفي است

و آنهم شرك پنهان و غير آشكار گفته می‌شود .
و دليل آن قول رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: ((الشرك في هذه
الامة أخفى من ديبب النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل)). [ابن
كثير در تفسير ۵۷/۱].

شرك در اين امت محمدی مخفی تر از راه رفتن مورچه ای سیاه
رنگ که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب بحرکت می‌افتد میباشد .
و كفاره و جبران اين شرك يعنى شرك مخفی و پنهانی حدیث
رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: ((اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك شيئاً
وأنا أعلم وأستغفرك من الذنب الذي لا أعلم)). [أحمد] .
بار إلهی من بتو پناه می‌برم اگر بتو شرك ورزم در حالی که
می‌دانم، و از تو طلب بخشش می‌طلبم از گناهی که ندانسته انجام می‌دهم

كفر بر دو نوع تقسیم می‌شود

أولاً: كفري که انسان را از دين و دایرهٔ اسلام خارج می‌کند،
و آن پنج نوع است:
أول: كفر تكذيب خداوند و رسول او، و دليل آن قول باریتعالی
است که می‌فرماید: ﴿ومن أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذب بالحق
لما جاءه أليس في جهنم مثوى للكافرين﴾ . [العنكبوت ۶۸] .

[چه کسی ستمگارترا از کسی است که بر خداوند دروغ می‌گوید و رسول حق را که برای هدایت او آمده تکذیب می‌نماید؟ آیا جایگاه کافران در آتش دوزخ نیست؟].
دوم: کفر عدم قبول حق و تکبر و غرور کردن، با دانستن و معرفت آن .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ . [البقرة ۳۴] .

[و بیاد آور هنگامیکه به فرشتگان گفتیم سر تعظیم برای آدم فرود آورید و سجده کنید او را، پس اینکار را کردند بجز ابلیس که از تعظیم آدم سرباز زد و در علم خداوندی، ابلیس از کافران بود] .
سوم: کفر شك و تردید و ظن .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: ﴿وَدَخَلَ جَنَّةَ وَهْوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رَّدَدْتِ إِلَىٰ رَبِّي لَأُجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا . قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا . لَكُنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ . [الكهف ۳۵ - ۳۸] .

[و به باغ خود داخل شد در حالیکه از کفر و خود پسندی و غرور بخود ستم می‌کرد و گفت: گمان نمی‌کنم که هرگز این باغ و سرمایه من نابود شود، و نیز گمان نمی‌کنم که روز قیامت بر پا شود و اگر به فرض، من بسوی خدای خود باز کردم البته در آن جهان نیز از این باغ دنیا، منزلی بهتر خواهم یافت، صاحب و رفیق

او که فقير بود اما به عزت ايمان سرافراز بود در گفتگوي با وی گفت آیا کفر ورزیدی به خدائي که تو را از خاک آفرید؟ پس از آن از آب نطفه به تو شکل و صورت بخشید؟ پس از آن تو را مردی کامل الأعضاء نمود؟ ولیکن من پروردگارم الله، خداوند یکتا است و هیچ کسی را شريك او قرار نمی‌دهم].

چهارم: کفر روی گردانی از دین .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: ﴿والذین کفروا عما أنذروا معرضون﴾ . [الأحقاف ۳] . [و مردمی که کفر ورزیده اند، نه به دلائلی که در سراسر وجود است می‌نگرند، و نه به اندرز پیغمبران گوش می‌دهند، و نه به آنچه از کتابهای آسمان فرود آوردیم توجهی دارند، بلکه از همه چیز روی گردانند].

پنجم: کفر نفاق .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿ذلک بأنهم آمنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون﴾ . [المنافقون ۳] . [زیرا آنها ایمان آوردند، و سپس کافر شدند، خدا هم مهر بر دلهایشان نهاد تا هیچ درک نکنند].

یعنی: ایمان آوردند به زبان، ولی با دل خود کافر شدند .

ثانیاً: کفری که انسان را از دین اسلام خارج نمی‌کند و آنها کفر نعمت می‌باشد .

و دلیل آن قول خداوند متعال که می‌فرماید: ﴿و ضرب الله مثلاً قریة كانت آمنة مطمئنة یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا یصنعون﴾ . [النحل ۱۱۲] .

[خداوند شهری را که در ایمنی و آسودگی بود و روزیش به فراخی از هر جا بسویش می‌آمد مثال زد، مردم آن شهر پیغمبر خدا را تکذیب کرده و نعمتهای خدا را ناسپاسی نمودند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم و لباس گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشاند.] .

نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود

أول: — نفاق اعتقادی . دوم: — نفاق عملی .

نفاق اعتقادی شش قسمت است .

و صاحب این نفاقها در زیرترین نقطه از جهنم خواهد بود .

۱ — کسیکه رسول الله ﷺ را تکذیب کند .

۲ — کسیکه بعضی از آنچه رسول الله ﷺ آورده تکذیب کند .

۳ — کسیکه از رسول الله ﷺ نفرت داشته باشد .

۴ — کسیکه نفرت داشته باشد از بعضی از چیزهاییکه رسول الله ﷺ

از نزد باری تعالی آورده است .

۵ — خوشحالی به نقصان و کم شدن دین مبین اسلام و

طرفداران آن .

۶ — نفرت داشتن از پیروزی اسلام بر کفر .

نفاق عملی: نفاق عملی پنج قسمت است .

دلیل آن حدیث رسول الله ﷺ است که فرمودند: ((أیة المنافق

ثلاث: إذا حدث کذب و إذا وعد أخلف و إذا أؤتمن خان)) . [متفق علیه] .

وفي رواية ((إذا خاصم فجر و إذا عاهد غدر)) . [متفق علیه] .

علامت منافق سه چیز است: هنگام سخن گفتن دروغ میگوید،

و اگر وعده دهد، وعده خلافی میکند و به وعده اش عمل نمی‌کند، و اگر به او امانت سپرده شود خیانت میکند — و در روایتی دیگر — اگر خصومت نماید فجور (بد و بیراه) می‌گوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد عهد شکنی و خیانت می‌کند .

معنای طاغوت و انواع اصلی آن

بدان ای برادر که اولین چیزی که خداوند بر بنی آدم فرض نمود کفر به طاغوت و ایمان به خدای یکتا است .

چنانکه باری تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ . [النحل ۳۶] .

[در هر اُمّتی پیغمبری فرستادیم و سخن همه پیغمبران این بود که: خدای یکتا را بندگی کنید و از عبادت سرکشان و فرعونان و بتان پرهیز نمائید] .

اما صفت و کیفیت کفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا و ترك آن عبادت، و نفرت داشتن از آن و کافر دانستن کسیکه چنین کاری را انجام می‌دهد و دشمنی کردن با او، این معنی کفر به طاغوت است .

و ایمان به خدا: معتقد بودن به خدای یکتائی که هیچ شریکی ندارد، و تمام عبادتها را خالصاً برای رضای او انجام دادن، و غیر از او هیچ معبود دیگری را نپرستیدن، و یکتا پرستان را دوست داشتن، و از آنان پشتیبانی کردن، و از مشرکان نفرت داشتن، و با آنان دشمنی کردن، و این همان دین ابراهیم عليه السلام است و کسیکه از دین ابراهیم

الکَلْبَلَاءُ روى گرداند نادان و ديوانه و احمق است، و پیروی از دين ابراهيم عليه السلام همان أسوه و قدوهٔ حسنه و نيك است که باریتعالی می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاؤُكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ . [الممتحنة ٤] .

[برای شما مؤمنان در عصر خاتم الأنبياء عليه الصلاة والسلام اقتداء و پیروی خوب در روش ابراهيم عليه السلام و مردم مؤمن همراه اوست، موقعی که به قوم خود و گروهشان گفتند که ما از شما و آنچه می‌پرستید غیر از خدای یکتا بیزاریم، ما به همهٔ آنچه غیر از خدای یکتا است و شما آنها را عبادت می‌کنید به همهٔ آنها کفر ورزیده و عبادت آنها را انکار می‌کنیم و از آنها میرا و بیزاریم، ما راه و روش شما را نمی‌پذیریم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آورید] .

و طاغوت اسمی عام است که: هر آنچه را که غیر از خداوند عبادت شود و او به این عبادت راضی باشد و در جهت اطاعت خدا و رسول خدا نباشد شامل می‌شود .

طاغوتها انواع زیادی دارند، و سران طاغوت پنج تا هستند:
أول: شیطان: که به سوی عبادت غیر از خدای یکتا دعوت می‌کند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَعِهُدُ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ الْأَوَّلَ تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ . [یس ٦٠] .

[من به شما پسران آدم و فرزندان او دستور دادم که از شیطان پیروی نکنید که دشمن آشکار شما است] .

دوم: حاکم و پادشاه ظالم و ستمکار که حکم خدا را تغییر میدهد .
و دلیل آن خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به ويريد الشيطان أن يضلهم ضلالاً بعيداً﴾ . [النساء ۶۰] .
[آیا نمی‌نگری و تعجب نمی‌کنی از حال آنانکه به گمان و
دعوای خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده
آوردند؟ چگونه باز می‌خواهند طاغوت را حاکم خود قرار دهند در
حالی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند، و شیطان می‌خواهد
آنان را گمراه کند آنگونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور
باشند] .

سوم: کسیکه به غیر از حُکْم خدا قضاوت و حُکْم نماید .
و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿ومن لم
يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون﴾ . [المائدة ۴۴] .
[هر کس بر خلاف آنچه خداوند فرستاده حُکْم کند چنین کسی
از کافران خواهد بود] .

چهارم: کسیکه ادعای علم غیب می‌کند .
و دلیل آن خدا می‌فرماید: ﴿عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحداً إلا من
ارتضى من رسول فإنه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصداً﴾ . [الجن ۲۶ - ۲۷] .
[او دانای غیب جهان است و هیچکس بر عالم غیب آگاه
نیست، مگر آنکس که از رسولان خود برگزیده، و بر محافظت او از
جلو و پشت سر نگهبانان قرار داده است] .
و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وعنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا﴾

هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين» . [الأأنعام ٥٩] .

[و کلیدهای غیب و علم نزد خداوند است، او به غیب إحاطه دارد، و قبل از وقوع هر واقعه، به وقوع آن و وقت وقوع آن دانا است، و أمور غیب را بجز او سبحانه و تعالی کسی دیگر نمی‌داند و آنچه در خشکی و دریا است، او می‌داند و برگي از درخت نمی‌افتد مگر اینکه خدا به افتادن آن برگ دانا است، و نمی‌افتد دانه ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تری، و نه هیچ خشکی مگر اینکه در کتابی آشکار در لوح محفوظ در علم خدا است] .

پنجم: کسیکه او را عبادت می‌کنند بغیر از خدا، و او به آن عبادت راضی است .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿ومن يقل منهم إني إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين﴾ . [الأنبياء ٢٩] .
[و هر کسیکه از ایشان بگوید: من خدا هستم غیر از خدای یکتا، ما او را به آتش دوزخ کیفر خواهیم داد که ستمکاران را چنین مجازات می‌کنیم] .

و بدانکه انسان نمی‌تواند مؤمن به خدا شود تا زمانی که به طاغوت کفر نوزد .

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم﴾ . [البقرة ٢٥٦] .

[کسیکه به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند به هر چه

واجبتي که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروري است

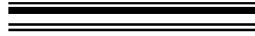
خلق گویند و کنند شنوا و داناست] .

بدانکه رشد و هدایت دین محمد ﷺ است، و گمراهی دین ابوجهل است، و رشته استوار و محکم شهادت أن لا إله إلا الله است، یعنی: گواهی دادن که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، که متضمن نفی و اثبات می‌باشد، تمامی انواع عبادت غیر از خدا را نفی می‌کند، و تمامی انواع عبادت را فقط برای خدای یکتا اثبات می‌کند .
والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات .



| صفحه | عنوان | م |
|------|---|----|
| ۲ | مقدمه مترجم | ۱ |
| ۴ | أصلهای سه گانه که بر هر مسلمان واجب است | ۲ |
| ۴ | أصل دین مبین اسلام و أساس آن | ۳ |
| ۵ | شروط لا إله إلا الله | ۴ |
| ۵ | دلیل شرطهای لا إله إلا الله از قرآن و سنت | ۵ |
| ۱۳ | نواقض و مخالفتهای اسلام | ۶ |
| ۱۷ | توحید سه گانه | ۷ |
| ۱۹ | ضد توحید شرك است | ۸ |
| ۲۰ | شرك بر چهار قسمت تقسیم می‌شود | ۹ |
| ۲۲ | نوع دوم از أنواع شرك | ۱۰ |
| ۲۹ | نوع سوم از أنواع شرك | ۱۱ |
| ۲۳ | کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود | ۱۲ |
| ۲۴ | نوع دوم کفر | ۱۳ |
| ۲۶ | نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود | ۱۴ |
| ۲۶ | نفاق عملی | ۱۵ |
| ۲۷ | معنای طاغوت و أنواع آن | ۱۶ |

واجبتي که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروري است



۳۲

۱۷ فهرست مطالب

